

آزادی

حستاری علمی - فلسفی

مهندس رجبی



نشریه

سرشناسه	: رجبی، مهدی، ۱۳۳۲ -
عنوان و نام پدیدآور	: آزادی : جستاری علمی - فلسفی/نویسنده مهدی رجبی ؛
مشخصات نشر	: ویراستار بهروز نجفی اردبیلی.
مشخصات ظاهری	: تهران : دنیای نو، ۱۳۹۸.
شابک	: ۴۱۶ ص.
	: 978-964-172-159-8
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه.
موضوع	: آزادی
موضوع	: Liberty
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۸ ۴۱۳/۱۲۶۶۴۷
رده بندی دیویی	: ۳۲۲/۴۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۵ ۸۷۲



نشرینوز

آزادی

جستاری علمی - فلسفی

نویسنده: مهدی رجبی

ویراستار: بهروز نجفی اردبیلی

حروفچینی: بهروز لیتوگرافی: فرانقش: چاپ: برتر

چاپ اول: ۱۳۹۸، شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

نشر دنیای نو: تهران - خ انقلاب - خ ۱۲ فروردین - پلاک ۳۰۰

E-mail: donyayenopub@gmail.com

قیمت: ۷۵۰۰۰ تومان

فهرست

۷	پیش در آمد
۱۵	فصل ۱ - بررسی مفهومی آزادی
۱۶	آزادی، توانایی است
۱۸	آزادی، توانایی انجام حرکات و اراده
۱۸	آزادی، توانایی آگاهانه
۲۸	آزادی، توانایی گزینش
۳۲	آزادی بی تفاوتی
۳۴	حق و قانون
۳۷	جواز و آزادی
۳۹	رهایی و آزادی
۴۱	آزادی حیوان و انسان
۴۷	سازه‌های مفهومی آزادی
۴۹	آزادی، استقلال
۵۲	آزادی، خودگردانی، خود
۵۹	خود، نفس، جان
۶۸	خودبودگی و انتروپی منفی

۷۱	خودانگیختگی و آزادی
۷۵	تکامل «خود» در سپهر زندگی
۸۴	آزادی همچون مفهوم، آزادی همچون حالت

۸۷	فصل ۲ - شب تاریک آزادی
۹۴	ضرورت، تصادف و اصل علت و معلول
۱۱۳	حرگرایی و تصادف
۱۱۹	جبر و اختیار
۱۲۳	مکانات جبرگرا و مکانیک طرفدار آشوب
۱۳۰	جبرگرایی و جهان ذرات بنیادی
۱۳۲	کشاکش ضرورت و تصادف، و راه برون رفت از آن
۱۴۲	تصادف در جهان زنده
۱۴۸	تصادف، خودانگیختگی و آزادی

۱۵۵	فصل ۳ - سپهر زنده و پیدایش آزادی
۱۵۶	زندگان خرده‌بینی و شکوفاشدن آزادی
۱۵۷	پیدایش زندگی روی کره‌ی زمین
۱۶۰	خودبودگی و پایداری خود (صیانت نفس)
۱۶۹	سوخت و ساز، زندگان و آزادی
۱۷۹	تمیز (بازشناسی)، گزینش و غایت‌داری
۱۸۹	آزادی و آگاهی
	سیرنیک و پسخورد، دو ویژگی مهم سامانه‌ی آگهی در سلول
۲۰۱	زنده
	آزادی و آگاهی در پرتو فرارویش زندگان خرده‌بینی به گیاه و
۲۰۹	حیوان
۲۰۹	گذار از زندگان خرده‌بینی به گیاهان

۲۲۱	گذار از گیاه به حیوان
۲۲۲	ذهن، آگاهی و آزادی

فصل ۴ - آزادی در دنیای جانوران

۲۳۹	حرکت و خواسته، دو وجه تمایز گیاه و حیوان
۲۴۰	خواسته، اراده و قصد
۲۴۶	حیث التفاتی یا نگرورزی
۲۵۲	ناربردهای حیث التفاتی یا نگرورزی
۲۶۳	۱- نگرورزی و جهان رایانه
۲۶۴	۲- نگرورزی و جهان زندگان
۲۶۹	آگاهی و نگرورزی
۲۷۷	آگاهی و آزادی
۳۰۴	آزادی، اختیار و اراده‌ی آزاد

فصل ۵ - آزادی در جامعه‌ی انسانی

۳۱۹	آزادی در گذار از حیوان به انسان
۳۲۰	تمایز آگاهی انسان و حیوان
۳۲۴	آزادی بشری
۳۴۴	رویکرد هستی‌شناسانه به آزادی
۳۴۸	علیت آزادی و سرچشمه‌ی آن، از وجود معقول تا خرد
۳۶۴	امر معقول و زمان، خرد و آزادی
۳۶۵	خرد، آگاهی و آزادی
۳۸۱	اراده، آزادی و خرد
۳۸۷	خرد انسانی مینیاتور خرد جهانی
۳۹۸	گوهر آزادی بشر

www.ketab.ir

پیش درآمد

آزادی را اساس مفهومی سیاسی - اجتماعی است، البته اگر نمود ادبی آن و جایگاه مهم این راره در ادبیات همه‌ی کشورها را نادیده بگیریم. با این وجود، موضوع اصلی و احواری کتاب حاضر آزادی است و به هیچ وجه وارد گفتمانی اجتماعی یا سیاسی نمی‌شود. چرایی فاصله‌گیری محتوای کتاب از دنیای سیاست و جامعه‌شناسی و اقتصاد، نخستین پرسشی است که به ذهن خواننده خواهد رسید.

نویسنده در آغاز بر آن بود به دنبال نگارش کتاب «تاریخ اندیشه‌ی دموکراسی»، دو گفتمان اساسی دموکراسی یعنی آزادی و برابری را که دو بخش اصلی آن کتاب را در بر می‌گرفت، در دو کتاب جداگانه بررسی کند، و پرورش دهد. نوشتن کتاب برابری چهار سال پیش به انجام رسید و چاپ شد. پس از آن، با خیالی آسوده تصمیم گرفتم نگارش کتاب آزادی را در دستور کار قرار دهم، با این پنداره‌ی ذهنی که مضمون آن همانا پرورش و گسترش فصل آزادی از «تاریخ اندیشه‌ی دموکراسی» خواهد بود. ولی هنگامی که به سراغ یادداشت‌های خود درباره‌ی آزادی رفتم تا آنها را گردآوری و هماهنگ کنم، دریافتم ذهنم بیش از اندازه گرفتار این پرسش است که آزادی از کجا آمده است و به کجا خواهد رفت؟ نمی‌دانم چرا

ذهن من چنین آرایش یافته است که برای توضیح موضوعی باید سیر فرارویی آن را پی کاوی کنم. خوب یا بد، چیدمان ذهنی نویسنده شیوهی برخورد یا به زبانی روش کاری ای را موجب می شود که در سرتاسر کتاب به چشم می خورد.

بخش مهمی از یادداشت ها و خوانش های من پیرامون آزادی، توجه به این جنبه از مفهوم آزادی داشت که آزادی چگونه پدیدار شد و چه سیری را در پیش گرفت. البته آزادی، تاریخی دراز و پر فراز و نشیب دارد، به ریزه از لحاظ سیاسی و اجتماعی. ولی پرسمان هایی که ذهن مرا در این راستا، خود، مغول کرده بودند، بیشتر جنبه ی فلسفی داشتند، تا سیاسی - اجتماعی. میل آن به روشن است، چراکه پرسمان های سیاسی - اجتماعی که پیرامون آزادی طرح می شوند، برای کسی که بیش از ۵۰ سال از زندگی خود را در تلاش برای رسیدن به آزادی یا اندیشیدن و پژوهش پیرامون آن طی کرده است، موضوعی بیش یا افتاده و جاافتاده اند، حال آنکه پرسمان های فلسفی درباره ی اینکه، آزادی چگونه پدیدار شد، شکل گرفت، و عناصر یا سازه های مفهومی آن کدامند و از چه اهمیتی در رابطه با یکدیگر برخوردارند، نه مسائلی پیش افتاده اند، و نه اینکه در ذهنیت محیط روشنفکری ایران جاافتاده اند.

شاید فضای فکری ایران بیشتر تشنه ی نوشته هایی باشد که به وجوه سیاسی و اجتماعی مفهوم آزادی می پردازند تا به - فلسفی آن. با این وجود، نظر نویسنده آن است که تأمل پیرامون وجوه فلسفی آزادی راه را برای ژرف اندیشی درباره ی جنبه های سیاسی و اجتماعی آن هموار خواهد کرد، پس همان به که با این هدف، بررسی فلسفی آزادی را برگزینم؛ گرچه فضای سیاسی ایران کمتر تشنه ی آن است، در عوض محیط روشنفکری بیشتر به آن نیاز دارد.

نخستین پرسش پیش رو در این بررسی این است «کجا و چه هنگام آزادی پدیدار شد؟» اگر بخواهیم به این پرسش از دیدگاهی سیاسی و یا

اجتماعی پاسخ دهیم، وارد بررسی‌ای تاریخی - سیاسی خواهیم شد و به ناچار باید به سراغ دولت‌شهرهای باستانی پدیدآمده در بین‌النهرین و یونان برویم. این بررسی در دستور کار این کتاب، یا بهتر است بگویم جلد نخست این کتاب، قرار ندارد. ولی اگر بررسی تاریخی - اجتماعی را کنار بنهیم، پاسخ به آن پرسش از میان پرسش دیگری خواهد گذشت؛ یعنی: «آیا آزادی نخست در جامعه‌ی انسانی چهره‌گشود یا پیش از آن و در همان حیوانی نیز وجود داشت؟» در راستای پاسخ به این پرسش آخر، با دانهایی روبرو خواهیم شد که رخ‌نمایی آزادی را از جهان جانوران پیش‌تر و دورتر می‌برند، و آن را به زمان شکل‌گیری نخستین موجودات زنده روی کره‌ی زمین ربط می‌دهند. هانس یوناس از اندیشمندانی است که از این دیدگاه بحث‌بانی می‌کند، و کتاب مهمی در این زمینه نوشته است که در نگارش این کتاب از آن بهره گرفته شده است. ناگفته نماند هگل نیز به طور ضمنی در پیروان از منطق روش دیالکتیکی خود از این دیدگاه به فائوس آزادی می‌نگرد. در فصل آخر این کتاب به آن اشاره خواهد شد. اگر هگل هنوز درک روشنی از ویژگی‌های زیست‌شناسانه‌ی سوخت و ساز موجود زنده نداشت، و تنها به اعتبار منطق روش خود به این نتیجه رسیده بود، در عوض یوناس با آگاهی به جنبه‌ی این مورد، دیدگاه‌های خود را بیان می‌کند.

با این همه، پرسش پیرامون آغازگه آزادی به یادگی در مرز جهان زنده و بی‌جان باز نمی‌ایستد، و ردپای آن را در جهان بی‌جان نیز پیدا خواهیم کرد، به ویژه در وادی ادبیات و شعر و استعاره. واژه‌آیی‌هایی چون سوسن آزاد، سرو آزاد، رود آزاد، شن‌های آزاد و مانند آن‌ها در لابه‌لای متون ادبی، از دیرباز به چشم می‌خورده است. در عرصه‌ی فیزیک نیز سخن از الکترون آزاد و غیره به میان می‌آید. با این حساب، آیا می‌توان گفت «آغازگه آزادی از دایره‌ی این کره‌ی خاکی فراتر می‌رود؟»

پیش از پرداختن به این پرسش‌ها باید به این نکته توجه داشت که

آزادی وجود مستقلی ندارد و هستی مستقلی برای آن، جدا از پدیده‌هایی که آزادی گزاره‌ی آنها می‌شود، در میان نیست. از این رو، گفته‌هایی شاعرانه چون «یک بغل آزادی» تنها اعتباری ادبی و استعاری دارند. چه آزادی را رابطه‌ای اجتماعی به شمار آوریم و آن را مانند اغلب فیلسوفان به جامعه‌ی بشری محدود سازیم، و چه آن را حالتی از چیزها و روابط در جهان زنده و یا در جهان هستی به طور کلی در نظر بگیریم، در هر دو حال آزادی وجودی عرضی دارد، و وابسته به وجود چیزها و روابط دیگر است. آزادی از خود و به خودی خود، وجودی جداگانه ندارد. آزادی همواره در تنبیهی گزاره‌ی برای تبیین ویژگی‌های چیزهای مختلف، از امور طبیعی تا ابط اجتماعی نمود یافته است.

با وجود جنبه‌ی روانه‌نمایی، باز پرسش بالا بر جای خود باقی است؛ اینکه آزادی در ترکیب گره‌ی وابسته به چیزهای جهان و جامعه، هستی خود را در کجا و در رابطه با هر برای توصیف چه پدیده‌هایی آغاز نمود؟ پاسخ به این پرسش می‌تواند بدین و چند و حتی چندگونه باشد، و آن هم به این خاطر که در پس هر پاسخ دیدگاه یا درکی معین و اغلب متفاوت با دیدگاه‌های دیگر نسبت به آزادی قرار دارد. یکی آزادی را در توانایی انجام کاری می‌بیند، همچون هانس هانس که توانایی سلول زنده در امر سوخت و ساز و پایداری را جلوه‌ای از آزادی می‌انگارد، دیگری آن را توانایی گزینش می‌داند (چنانکه سارتر می‌پنداشت) یکی دیگر آن را توانایی کاربست اراده به شمار می‌آورد، همان گره که خواجه نصیرالدین طوسی می‌اندیشید. گروه زیادی آن را توانایی انجام کاری به کمک آگاهی می‌دانند. بسیاری از بزرگان اندیشه و ادب همچون کانت و فردوسی آن را فرزند خرد می‌پندارند، گروهی دیگر آن را همان رهایی و استقلال قلمداد می‌کنند؛ استقلال از بند و فشار و زور، و کانت آن را توانایی خودگردانی به حساب می‌آورد و هگل نیز به او تأسی می‌کند. نویسنده در این کتاب نشان خواهد داد آزادی چه از زاویه‌ی اجتماعی

و چه از دیدگاه فلسفی، پیوندی تنگاتنگ با آگاهی دارد، و همان گونه که کمابیش همه‌ی فیلسوفان می‌پنداشتند، بدون وجود آگاهی، سخنی از آزادی نمی‌توان راند. آزادی آن زمان رخ به جهان گشود که آگاهی هستی یافت. آزادی بر بستر کنش آگاهانه‌ی موجود زنده پدیدار شد. در اینجا بسیاری از کسان خواهند گفت که پس آزادی در جامعه‌ی بشری و با انسان که تنها باشنده‌ی زنده و آگاه است، پا به دایره‌ی هستی نهاد. این طرز نگرش به «ابطال» آگاهی، انسان و آزادی، دیدگاه غالب در محیط‌های فلسفی بود. فیلسوفان گذشته کمابیش همگی بر این نظر بودند که جانوران به دلیل بی‌هوشی، از توانایی داشتن آگاهی، از نعمت آزادی نیز بی‌بهره‌اند.

نویسندگان از خلال پژوهش‌های خود در این باره به این نتیجه رسیده است صغری که برای آن که اجازه می‌داد تا برپایه‌ی آن نتیجه‌گیری شود جانوران از آزادی برخوردار نیستند، و تنها انسان از این امتیاز سود می‌جوید، با یافته‌های علمی چند ده سال اخیر سازگاری ندارند. مشخصاً گفتن اینکه آگاهی داشتن تنها امتیازی انسانی است، با یافته‌های علمی نمی‌خواند. و با این حساب، نمی‌توان جانوران و دقیق‌تر بگوییم جانورانی را که بنابر بررسی‌های علمی از توانایی ذهنی لازم در سطح داشتن آگاهی برخوردارند، از نعمت آزادی محروم است. برای اثبات این امر، بخش مهمی از کار پژوهشی من به یافتن رد پای آگاهی در دستر و مشخصاً شناخت از ساده‌ترین موجودات زنده تا جانوران بزرگ و دارای مغزی بزرگ و پیچیده اختصاص یافته است. در این راه به ناچار وارد دنیای زیست‌شناسی و رفتارشناسی جانوران شده‌ام، و کوشیده‌ام تا فراورده‌های کار خود را با زبانی غیر تخصصی بازگو کنم.

بایسته‌ی توضیح است تلاش نویسنده در اثبات اینکه آغازگه آزادی، جهان زنده‌ی جانوران است، از سر عشق بی‌پایان به حیوانات و دلبستگی به طرز زندگی آن‌ها نیست. بلکه می‌خواستم از سویی بگویم اگر پذیرفته شود گروه بزرگی از جانوران از نعمت آزادی برخوردار هستند، پس دیگر

راه بر این رویکرد بسته خواهد شد که بخشی از افراد جامعه را به دلیل سطح پایین آموزش و دور بودن از عواملی که هوشمندی و خردورزی را افزایش می‌دهد، از برخی از آزادی‌ها و حقوق محروم می‌ساخت. از سوی دیگر با شمول آزادی به گروه مهمی از جانوران، به وضع مشترک انسان و حیوان در برخورداری از برخی اشکال آزادی اشاره می‌کنم و در ادامه‌ی این شیوه‌ی برخورد، روی تفاوت آزادی خودویژه‌ی انسان با آزادی نوع حیوان یا آزادی مشترک انسان و حیوان تأمل خواهم کرد. در اینجا است که گفتمان سطوح مختلف آزادی به میان می‌آید، از آزادی جابه‌جایی بعنوان شکلی ساده تا آزادی متعالی که با ضرورت‌های برخاسته از ژرفای خود خویشستن در جهان پیوند می‌افکند.

ساحت دیگر پژوهش نویسنده، بررسی آزادی از زاویه‌ی جبر یا جبرگرایی است. آزادی هرگز در دنیای بیاروی ضرورت می‌نشیند، توگویی آن‌ها دو وجه متضاد و به هم وابسته را در پهنه‌ی هستی خود تشکیل می‌دهند. در عرصه‌ی هستی بیکران، آزادی جبری نوپا دارد و عمر آن از چند صد میلیون سال فراتر نمی‌رود. چنانچه از دیاگاه یوناس و هگل بنگریم، درازای عمر آزادی کمی بیش از سه میلیارد سال خواهد بود، حال آنکه پیشینه‌ی میدان‌داری ضرورت در جهان هستی تا زمان مهبانگ و شاید فراتر از آن می‌رود.

اگر جهان هستی در درازنای میلیارد‌ها میلیارد سال عرصه‌ی حکمرانی بی‌چون و چرای ضرورت بود، این پرسش به میان می‌آید که پس چگونه آزادی توانست در چنین محیطی پدیدار شود؟

این پرسش ذهن نویسنده را در جریان خوانش‌ها و تأملات خود سخت به خود مشغول کرده بود. به هنگام بررسی چگونگی شکل گرفتن آگاهی و شناخت در باشندگان زنده، ذهن جستجوگر به ناچار به سراغ چگونگی شکل‌گیری و پیدایش زندگی در کره‌ی خاکی می‌رود. در جریان این پی‌کاوی‌ها کاشف به عمل آمد زندگی و بسیاری از جلوه‌های آن

فراورده‌ی عامل تصادفند. این دیگر حقیقتی علمی است که جهش‌های ژنتیکی گرچه از قوانین الزام‌آوری پیروی می‌کنند، ولی تا اندازه‌ی زیادی فراورده‌ی تصادفند.

پدیدار شدن عامل تصادف در این میانه که پی‌جویی ریشه‌ی آزادی در دستور کار بود، ذهن جستجوگر را وارد جهان بیکران فیزیک و شیمی، مشخصاً جهان بی‌جان می‌کند. گفتگو بر سر امر تصادف در نقش وجه ریاضی و ضرورت هم در محیط‌های علمی از مکانیک نیوتن تا فیزیک مدرن جریان داشته است، و هم از دیرباز در نوشته‌های فیلسوفان جا‌نگاه بر خست یافته بود.

درین ترتیب، گفتمان پی‌کاوی ریشه‌ی آزادی سر از وادی تصادف درمی‌آورد، و وارد بحث دو سه هزار ساله‌ی تصادف و ضرورت می‌شود. جای شگفتی نباید کسی که به نفی وجود تصادف در جهان می‌پرداختند، آزادی را نیز در زیر خیمه‌ی بزرگرایبی جا می‌دادند و نقش همه‌جانبه‌ی این آخری را برجسته می‌کردند. اسپینوزا که هنوز هواداران بسیاری در محیط فلسفی دارد، از اندیشمندانی است که این گونه با آزادی و تصادف برخورد می‌کرد. پی‌حساب نیست که بررسی رابطه‌ی تصادف و ضرورت یا به بیان دیگر رابطه‌ی تصادف و جبر در دو سه فصل کتاب بازتاب یافته است، به همان گونه که بررسی وجود آگاهی و آزادی در جهان حیوانات، بخشی مهم از کتاب را دربر گرفته است.

جریان پی‌کاوی‌های نویسنده در این کتاب تا اینجا پیش می‌رود که گوهر آزادی بشر و مشخصاً آزادی خودویژه‌ی بشر را بارشکافد. پی‌گیری برانگیزه‌ها و کشش‌های ذهنی و به ویژه شناخت روان خویش یکی از توانایی‌های خودویژه‌ی انسان است. این امر به وی امکان می‌دهد تا از وابستگی کور به آن‌ها بیرون آید، و حتی بتواند آن‌ها را به طور نسبی مهار کند. به این ترتیب، او از استقلال نوینی برخوردار می‌شود که به لحاظ کیفی در سطح والایی نسبت به استقلال بشر از جبر نیروهای طبیعی قرار

دارد. بالاترین فراز این استقلال، اندیشیدن به اندیشه‌ها و باورهای خود و توانایی نقد آنهاست. انسان‌هایی که به این درجه از خودآگاهی و خردورزی می‌رسند و برپایه‌ی آن می‌توانند ذهن خود را از چنگ وابستگی اسیروار به باورها و اندیشه‌های رایج رها سازند، آن‌هایی هستند که آزادی متعالی را در آغوش می‌کشند؛ آزادی از زندان بیرون و درون.

مهدی رجبی
شهریور ۱۳۹۷

www.ketab.ir